

مصاحبه حاضر با دکتر ایمان الله بیگدلی دانش آموخته دانشگاه های شیراز و فردوسی مشهد و دانشیار دانشگاه سمنان است که دیرزمانی است در حوزه تولید روانشناسی بومی (ایرانی - اسلامی) کوشش ورزیده اند. محور اصلی مصاحبه با ایشان چگونگی تولید روانشناسی اسلامی خاصه در زمینه روانشناسی رشد و آسیب شناسی روانی است. مدیرگروه سابق گروه روانشناسی دانشگاه سمنان تاکید کردند می بایست هم در مرحله نقادی روانشناسی موجود به عقبه های فلسفی توجه داشت و هم در گام تولید روانشناسی بومی (ایرانی - اسلامی) ، پشتوانه های فلسفی را تقویت نمود. ایشان معتقدند روانشناسی موجود برپایه انسان شناسی نادرستی پی ریزی شده است از این رو می بایست در حوزه تعریف درست از انسان، همت گمارد.

فتح : سالیان درازی است بخشی از جامعه علمی ایران همراه با مسئولان در تلاشند ضمن نقد علوم موجود به آفرینش روانشناسی اسلامی مبادرت ورزند. در این رهگذر تعبیری نیز به کار می برند از جمله علوم غربی، علوم اومانیزه و حال سوال این است با توجه با سلطه نسبی روش شناسی غربی بر علوم، نقطه آغاز برای حرکت در مسیر تولید علوم اسلامی کجاست؟

دکتر ایمان الله بیگدلی: اینکه گفته می شود روانشناسی غربی دلیل متعددی دارد. دلیل نخست اینکه دانش های نوین در آغاز در مغرب زمین ظهور یافتند و همین ظهور و بروز، مبنای این عنوان شد، هر چند که در طول زمان تغییر در معنا افتاد و بار جغرافیایی آن سبک گردید؛ با این وجود هنوز روانشناسی همراه با پشتوانه های فلسفی اش ریشه در دوران باستان مغرب زمین، خاصه یونان و روم دارد. بنابراین از نخستین گامها در بحث تولید روانشناسی دینی، توجه و نقادی پشتوانه های فلسفی آن است. نکته ای که تاکنون چندان مورد توجه نبوده است.

فتح : از برهه ای از تاریخ در مغرب زمین، حرکت جهت تولید علوم تازه، از جمله روانشناسی شروع گشت. در این میان دانشمندان اسلامی نیز در طول تاریخ از پای ننشستند و تلاش ها کرده اند و در ضمن معتقدیم که میراثی گرانبها و پرمغز را به ارث برده ایم و از سویی صاحب فقه پویا هستیم، اما چگونه است صاحب جایگاه و کرسی های بین المللی در حوزه علم روانشناسی نیستیم؟

دکتر ایمان الله بیگدلی: از دلایل عدم توفیق در سطح جهانی علاوه بر مورد پیش گفته یعنی کم توجهی به پشتوانه های فلسفی، عدم تعریف و تبیین درست ملاکهای علمی دین مدارانه است. از دوره رنسانس تلاش های فراوانی برای ریشه کن کردن مجموعه مسایل انسانی دهشتناک دوره سده های میانه آغاز شد؛ مسایلی چون تبعیض و بی عدالتی، پوچ گرایی و بی هویتی، جنگ و خونریزی و مسایلی دیگر. این ها موجب بروز انقلاب شد.

در دوره حاکمیت به اصطلاح دین، این مسایل اتفاق افتاد. بنابراین انقلابیون و پایه گذاران فرهنگ و جامعه تازه، روش دیگری در پیش گرفتند که مطلوب و هدف بر مبنای آن، رساندن بشر به بیشترین حد از رفاه اقتصادی و مادی است. به بیان کوتاه، هرآنچه انسان را به رفاه و آسایش مادی بیشتر برساند مطلوب است. در مفروضات انسان شناسی، انسان موجود مصرف کننده و یا تولید کننده معرفی شده و زندگی او به دنیا و حیات مادی انحصار یافت و سعادت و بدبختی او در این دنیا تعریف شد. به این ترتیب در مفروضات ارزش شناسی، اینها ملاک ارزش یا خواست و داوری فرد قلمداد گردید و از سویی برخی اراده و داوری جمع و عده ای هم سود مندی عمل را ملاک ارزش قرار دادند و سرانجام خواست و اراده خدا از حوزه ارزش و حتی حقیقت حذف گردید و علوم غربی بر پایه این مفروضات شکل گرفت و جهت یافت و بر زندگی انسان در ابعاد مختلف حاکم گردید.

فتح : چگونه زایش های دوره نوزایی علمی در مغرب زمین که برای از بین بردن مسایل و مشکلات دوره حاکمیت کلیسا رخ نمود بر علوم انسانی تأثیر گذاشت و این مطلب برای دانشوران و پژوهشگرانی که در زمینه دگرگونی علوم انسانی اشتغال دارند چه درس هایی به همراه دارد؟

دکتر ایمان الله بیگدلی: جامعه ی پس از سقوط حاکمیت دین ارتجاعی در مغرب زمین، بر اساس چهارچوب های فکری که به پاره ای از آنها اشاره شد علوم را در خدمت ماده و ماشین قرار داد چرا که برای رسیدن آدمی به بالاترین رفاه، نیاز بود ثروت و سرمایه اقتصادی و ملی در جامعه فزونی یابد. به این ترتیب غربی ها نتیجه گرفتند همه علوم از جمله علوم انسانی را در خدمت تولید بیشتر، رشد فزاینده کالا ها و غیره، قرار دهند. به دنبال این مطلب آنچه ارزش پیدا کرد ماشین و کارخانه بود. حاصل این شد که مثلاً جوانان رشته ای را بیشتر انتخاب نمایند که پول بیشتری را به همراه دارد. خلاصه حرف اینکه، وقتی رفاه مادی بیشتر اصل شد و ارزش بالایی یافت آنگاه، انسان ها نیز به دنبال کسب پول بیشتر می روند به هر شکل ممکن. این ها اثرات سیطره فکر مادی غربی بر مردم است. از شیوه لباس پوشیدن گرفته تا انتخاب رشته تحصیلی.

فتح : جناب عالی به پاره ای از دلایل ظهور و تداوم علوم امروزی اشاره کردید و به آسیب شناسی آن نیز پرداختید. اگر این علوم را در برخی موارد آسیب زا و مضر می دانیم چه جایگزینی در برابر این اندیشه قرار دارد؟ در واقع الگوی جایگزین مدنظر ما، دارای چه مبانی، شاخص ها و اصولی است؟

دکتر ایمان الله بیگدلی: گفتیم بر اساس چهارچوب ها و جهان بینی مادی حاکم بر غرب ارزش های والای انسانی مورد غفلت قرار گرفت و تولید فزاینده و ماشین اهمیت یافتند. در مقابل این نگاه، چهارچوب های فکری و اعتقادی و جهان بینی خدا محور دین اسلام بر اصول دیگری تأکید می ورزد. او از کرامت ذاتی برخوردار بوده و انگیزه اش از تلاش و فعالیت تنها امور دنیایی نیست بلکه او برای کسب رضایت الهی، تقرب به مقام ربوبی

ورسیدن به توحید در مقام اعتقاد و عمل می‌کوشد و تنها با یاد او آرام می‌گیرد و خود را می‌یابد. در این جهان بینی ارزش مطلق خداوند است و ارزش‌ها در ارتباط با او معنا می‌یابند. بنابراین، تحول در علوم انسانی و اسلامی سازی آن یعنی بنیان نهادن علوم بر اساس چهار چوب‌های اعتقادی، مبانی نظری و جهان بینی اسلامی در مفروضات هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی.

فتح : چگونه می‌شود بر مبنای این اصول، علوم دین مدار را پایه ریزی کرد؟ برای نمونه چگونه می‌توان این اصول را در روانشناسی به کار بست؟ برای مثال چگونه می‌توان اصولی برای گفتگوی درمانگر و مراجع در جلسه درمانی مبتنی بر اصول اسلامی تدوین نمود؟

دکتر ایمان الله بیگدلی: برای پاسخ به این پرسش نیاز است اندکی وارد مصادیق شویم. در زمینه علم گسترده روانشناسی می‌توان مبتنی بر سیره اهل بیت به تولید اصول، قوانین و فنون پرداخت. خداوند انسان را آفرید و جهان را برای او مدرسه و مهد تربیت قرار داد. ساختار فیزیکی این مدرسه، معماری زیبایش، سقف آبی گنبدی شکل ناهمواریها و همواریهایش، رنگ آمیزیها و هنرنماییها و تنوع در ایام و فصولش، کوههای برافراشته و دریاها نیل گون، لطافت جانفزای صبحگاهان بهاری و موسیقی هجران و نوای ارتحال شبانگاهان که در آیات آغازین سوره مبارک نحل توجه‌ها را به آن جلب می‌کند فضای روحبخش تربیت انسان است که پروردگار متعال برای ساختن انسان و تربیت آدمی آن را طراحی و ترسیم نمود تا موحدان یکتاپرست در طرح و ساخت مدرسه و دانشگاه از او الگو گیرند که هر ضلع و زاویه‌اش حکمتی و هر نقش و نگارش علتی در تربیت انسان دارد.

در زمینه مشاوره‌های روانی باید توجه کرد، ریشه بسیاری از معضلات و آسیب‌های بشر کنونی، دل‌بستگی به ارزش‌های دروغین و دوری از خدا است: "هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی بر او بسیار سخت می‌شود" و در آنسو در قرآن کریم آمده است: "کسی که مقرب درگاه الهی است نه غمی برای اوست و نه اضطرابی". ترجمان علمی این سخن، انسان‌شناسی نادرست نفوذ یافته در ذهن انسان غربی است. ذکر این نکته ضروری است مراد از غربی در اینجا غرب ذهنی است نه جغرافیایی.

فتح: در رهگذر نیل به روانشناسی اسلامی موانعی وجود دارند که موجب شده است بخشی از جامعه با این هدف همراه نشوند. در فوق به دو مورد از این موانع اشاره نمودید آیا موانع دیگری نیز وجود دارند؟

دکتر ایمان الله بیگدلی: یکی از موانع اصلی این است که ما روان‌شناسی و مشاوره را از غرب وارد کردیم، و خیلی به پشتوانه‌های فلسفی و نظریه‌هایی که در پشت این روان‌شناسی و مشاوره غربی

بوده نپرداختیم و صرفاً دانشجویان را آشنا کردیم با نسخه ترجمه شده از روان‌شناسی و تئوری‌های روان‌شناسی بدون اینکه به زیربنای حداقل فکری فلسفی غربی‌اش را حتی به دانشجویان بگوییم. طبیعی است که این‌جا دانشجوی ما درک درستی از روانشناسی و مشاوره نخواهد داشت و نه تنها گرایش به پرداختن به زیربنای فلسفی اسلامی ندارد، بلکه گرایش به پرداختن زیربنای فلسفی غربی را هم ندارد. مثلاً حتی گرایش به بررسی زیربنای فلسفی غربی که نظریه فروید از آن بیرون آمده را ندارد که چه برسد بیاید و زیربنای فلسفی اسلامی را بررسی کند و خودش مدل‌سازی کند. برای حل این مانع آنچه که بیشتر می‌تواند کمک کند این است که ما علی‌الخصوص در دوره کارشناسی بیشتر از آنکه بیاییم به تعدد دروس فکر بکنیم، بخصوص دروسی که خیلی به زیربنای توجه نمی‌کند، بیاییم به تقویت دانشجویان در حوزه روان‌شناسی از لحاظ فلسفه‌ی علم به طور عام و فلسفه‌ی اسلامی به طور خاص در تولید علم بپردازیم.

یکی از راه‌های رفع موانع موجود مطالعه و نقادی دقیق منابع غربی است بنابراین نمی‌شود بگوییم نیازمند مطالعه منابع غربی نباشیم. مثل این می‌ماند که بگوییم در حوزه فلسفه نیازمند دیدگاه‌های مختلف نسبت به انسان نیستیم. آرای فلسفه و پشتوانه‌های فلسفی غربی را دانشجویان ما نمی‌دانند. یکی از ضعف‌های بزرگ در حوزه علوم انسانی این است که، دانشجویان ما پشتوانه نظریات علمی را نمی‌دانند. مثلاً این مدل ناهماهنگی شناختی، برانگیختگی یا کاهش سائق پشت سرشان یک سری پشتوانه‌های فلسفی قرار دارد و این‌ها را متأسفانه اساتید ما به خاطر اینکه ضعف در مبانی فلسفی دارند به دانشجویان نمی‌گویند و دانشجویان فکر می‌کند اینها یک دفعه از آسمان نازل شده است. پشتوانه‌ی فلسفی اینها را دانشجویان باید بدانند. علم محدودیت جغرافیایی که ندارد. وقتی مقام معظم رهبری می‌فرمایند شما طوری عمل کنید که به تئوری پردازان برسید، در پشت فرمایشات ایشان این است که شما بایستی انقدر پشتوانه فلسفی‌تان را قوی کنید که خودتان بتوانید در کنار نظریه و مدل‌های غربی به مدلسازی و نظریه‌پردازی بپردازید بعد این نظریه‌ها و مدل‌ها صادر می‌شود. یکی از ویژگی‌های علوم انسانی این است که همزمان مدل‌ها و الگوها و نظریه‌های بسیار زیادی در کنار

هم دیگر به تبیین رفتار انسان می پردازد. الان به عنوان مثال در حوزه روانشناسی رشد می بینیم چندین نظریه برای تبیین رشد شناختی و رشد اجتماعی وجود دارد. اگر دانشمندان اسلامی هم بتوانند به تولید مدل دست بزنند آن هم می آید در کنار این مدل ها قرار می گیرد.